

بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها^۱

سیدحسین سراج زاده^۲

عضو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

جمال ادهمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

چکیده:

کانون‌های فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها با هدف فراهم آوردن شیوه‌ای سالم و مفید برای گذران اوقات فراغت دانشجویان و افزایش مهارت‌های اجتماعی آنان ایجاد شده‌اند و توسعه یافته‌اند. با این وجود، به نظر می‌رسد گروه‌های مختلف دانشجویی از نظر فعالیت در این کانون‌ها و استفاده از برنامه‌های آن وضعیت مشابهی ندارند. از جمله، شواهدی وجود دارند که گاه کانون‌های علمی، ادبی، و هنری، در کنار انجمن‌های سیاسی دانشجویی، محل یا پاتوقی برای باز تولید روابط قومی و منطقه‌ای در میان دانشجویان یک دانشگاه می‌شوند. پرسش اصلی مقاله آن است که آیا دانشجویان متعلق به اقوام مختلف ایرانی از نظر میزان عضویت و مشارکت در کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و علمی دانشجویی تفاوت دارند؟ این پرسش با تحلیل ثانویه داده‌های دو طرح پیمایشی که در میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم اجرا شده بود مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های آن بر اساس ویژگی‌های تاریخی فرهنگی روابط قومی در ایران تحلیل شد.

واژگان کلیدی: انجمن‌های دانشجویی، تفاوت‌های قومیتی، دانشجویان، قومیت.

۱ - داده‌های این مقاله برگرفته از طرح «سنجش نگرش‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی»، و طرح «شیوع‌شناسی مواد مخدر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» است که به سفارش دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، پژوهش‌ها و فناوری اجرا شده‌اند.

کانون‌های فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها با هدف فراهم آوردن شیوه‌ای سالم و مفید برای گذران اوقات فراغت دانشجویان ایجاد شده‌اند و توسعه یافته‌اند. مهارت‌های اجتماعی دانشجویان از طریق فعالیت در این کانون‌ها تقویت می‌شود، توانایی‌های علمی و فرهنگی آنان افزایش می‌یابد، نیازهای زیبایی شناختی‌شان تأمین و فرهیختگی‌شان افزون می‌شود. با وجود این، به نظر می‌رسد گروه‌های مختلف دانشجویی از نظر فعالیت در این کانون‌ها و استفاده از برنامه‌های آن وضعیت مشابهی ندارند. از سوی دیگر، مدتی است که علائق و حساسیت‌های قومی که در سطح جامعه فعال شده‌اند، به صورت‌های مختلف در محیط‌های دانشگاهی نیز ظهور و بروز کرده‌اند. از جمله، در برخی موارد شواهد نشان می‌دهند کانون‌های علمی، ادبی و هنری، در کنار انجمن‌های سیاسی دانشجویی، به مکان یا پاتوقی برای باز تولید روابط قومی و منطقه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه‌ها تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که در انتخابات مربوط به این کانون‌ها صف بندی‌های قومی و منطقه‌ای به شکل مستقیم و غیر مستقیم به چشم می‌خورد.

با توجه به این موضوع، پرسش اصلی مقاله آن است که آیا کانون‌های دانشجویی کارکرد پنهان بازتولید مناسبات قومی را دارند؟ و آیا دانشجویان متعلق به اقوام ایرانی از این کانون‌ها به عنوان امکانی برای تقویت موقعیت اجتماعی خود در محیط‌های دانشگاهی و به تبع آن در کل جامعه استفاده می‌کنند؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، آیا این احتمال وجود دارد که دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف ایرانی از نظر میزان عضویت و مشارکت در کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و علمی دانشجویی تفاوت‌هایی داشته باشند؟ این پرسش (تفاوت قومی در میزان عضویت و مشارکت) با استفاده از داده‌های طرح پیمایشی نگرش‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم و طرح پیمایشی شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و یافته‌های مربوطه بر اساس ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی روابط قومی در ایران تحلیل می‌شوند.

در پرسشنامه این دو طرح، پرسشی نیز درباره تعلق قومی^۱ دانشجویان وجود داشت.

۱- برای تعریف قومیت، معیارهای مختلفی مثل تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی یا عناصر محدودتری مثل زبان و لهجه، مذهب، نژاد و... مطرح شده‌اند. قصد این مقاله ورود به بحث پدیده و معیارهای تعریف قومیت و امکان تمایزات دقیق قومی نیست. در این مقاله پاسخگویان بر اساس تعلق قومی آن‌ها تعریف و شناسایی می‌شود. فاعداً تعریف قومیت و معیارهای آن هر چه باشد، وقتی فردی خود را متعلق به قوم خاصی می‌داند، نمی‌توان در این احساس تعلق تردید و تشکیک کرد.



همچنین دانشجویان به پرسش هایی درباره عضویت در انجمن ها و تشکل های دانشجویی، شرکت در برنامه های آن ها و میزان صرف وقت در آن ها پاسخ داده اند. با استفاده از یافته های مربوط به این پرسش ها، پرسش اصلی این مقاله مبنی بر بررسی تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت های مختلف از نظر فعالیت در کانون های فرهنگی، مورد بررسی قرار می گیرد. البته که درباره قومیت و کانون های فرهنگی، پرسش های دیگری می توان مطرح کرد ولی از آن جا که این مقاله با تحلیل ثانویه داده های یک پژوهش پیمایشی سروکار دارد، به ناچار خود را به پرسش های موجود در این طرح پرداخته است. در راستای بررسی پرسش مطرح شده، ابتدا مسائل قومی در ایران مروری اجمالی می شود، بعد از طرح مسائل روش شناسانه، یافته های مربوط به ویژگی های پاسخگويان از نظر متغیرهای زمینه ای (شامل قومیت) و نیز تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت های مختلف از نظر این متغیرها و تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت های مختلف از نظر فعالیت در کانون های فرهنگی و مورد بحث قرار می گیرند.



زمینه تاریخی و نظری

تقریباً در همه جوامع، تا پیش از شکل گیری دولت-کشور و دولت-حکومت، پذیرش تنوعات قومی در کل جامعه امری مرسوم و تا حدی مجادله برانگیز بود. اما پس از کنفرانس وست فالیا در سال ۱۶۴۸ میلادی و پیدایش دولت مدرن، تنوعات قومی به یکی از موضوعات جدی مناقشات سیاسی تبدیل گشت. مسأله همبستگی، به ویژه پس از کنفرانس وست فالیا و شکل گیری دولت-کشور و محو شدن نظام امپراتوری اهمیت ویژه ای یافت. به این ترتیب امپراتوری های بزرگ، کوچک شدند و کشورهای مختلفی به وجود آمدند که این فرایند گاه شاهد مقاومت هایی از سوی اقوام و گروه های مذهبی در برابر دولت مرکزی بوده است (رجبی نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

در ایران تنوع و ناهمگونی های قومی، یکی از عوامل کاهش انسجام اجتماعی در طول تاریخ ایران و به ویژه در دوره ظهور دولت-ملت و ملی گرایی های افراطی بوده است (الطائی، ۱۳۷۸: ۱۶۵). سیاست های پادشاهان صفوی برای ایجاد وحدت ملی و یکسان سازی مذهبی که منجر به تبعید و اسکان اجباری برخی از اقوام و مذاهب شد، از نظر تاریخی سرآغاز مسائل قومی، البته نه به معنای مدرن آن، در ایران است. «با وجود این، طرح مسائل قومی در ایران

به صورت امروزی آن، برای اولین بار در اواسط قرن بیستم و توسط جریانات چپ و در چارچوب تحلیل‌های مارکسیستی مطرح شد» (بیات، ۱۳۷۱: ۲۲).

مسائل قومی در مقاطع مختلف تاریخ ایران مانند مشروطیت، در دوران شکل‌گیری دولت مدرن در ایران در سال‌های ۱۳۰۰ به بعد، سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم ۲۴-۱۳۲۰ و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به خیزش‌های حاد سیاسی و گاه تحركات خشونت‌آمیز جدایی طلبانه شده‌اند. صرف نظر از بزرگ‌نمایی‌های سیاسی و گرایش‌های ایدئولوژیک، واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند تنوع قومی موجود در هر نوع تحول بزرگ سیاسی سرباز می‌کند و به یک بحران پیچیده سیاسی تبدیل می‌شود که گاه تا مدت‌ها ادامه داشته است (حاجیان، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

سیاست‌های تمرکزگرایانه مبتنی بر ملی‌گرایی افراطی دولت در دوره پهلوی عامل عمده سیاسی کردن قومیت و اختلافات زبانی و مذهبی و شکل دادن به گرایش‌های سیاسی محلی گرا و جنبش‌های قومی در ایران محسوب می‌شوند. همچنین روشنفکران و نخبگان سیاسی در طول مبارزات خود علیه دولت‌های تمرکزگرا و اقتدار طلب، در شکل دادن به هویت قومی و سیاسی کردن مسائل زبانی، مذهبی، نقشی اساسی ایفا داشته‌اند. البته این نخبگان تحت تأثیر فضای گفتمان سیاسی بین‌المللی قرن بیستم قرار داشتند و عمدتاً موضوع مطالبات قومی را در چارچوب دیدگاه‌های لیبرالی - مارکسیستی در سطح ملی دنبال می‌کردند. نیروهای بین‌المللی نیز با حمایت فکری، سیاسی و مادی خود زمینه طرح گرایش‌های قومی را در میان گروه‌های مختلف اقلیت در ایران فراهم آورده و آن را تقویت می‌کردند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۳-۱۴).

تحولات جهانی پس از جنگ سرد، به سمت تشدید تعارضات قومی گرایش داشته‌اند و محیط نظام سیاسی ایران نیز از این تحولات تأثیر پذیرفته است. تحولاتی مانند ظهور کشورهای جدید در مرز شمالی ایران پس از فروپاشی اتحاد شوروی که تقریباً همگی از قومیت نیرو می‌گرفتند. ظهور و تشدید قومیت‌گرایی ترکان (پان‌ترکیسم) که از طریق ترکیه و آذربایجان شوروی استان‌های آذری نشین ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند، تشدید معارضة کردهای ترکیه و کسب استقلال نسبی کردهای عراقی با حمایت آمریکا و ظهور طالبانیسم در مرزهای شرقی کشور که با جنبش‌های اسلامی بنیادگرای دینی پیوند خورده بود، منجر به تقویت گرایش‌های قوم‌گرایانه در برخی از مناطق کشور شده‌اند (ابادری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲).



از منظر جامعه‌شناسی، در اجتماع جامعه‌ای و اجتماع قومی، ایجاد روابط متقابل بین افراد یک فرایند ساده و تک بعدی نیست، بلکه فرایندی سیستمی و نظام مند است و حداقل چهار بعد دارد: بعد معیشتی، بعد اقتداری، بعد عاطفی و بعد فکری. افراد مناسبات خود را در محدوده این خرده نظام‌ها تنظیم می‌کنند و بدان استمرار می‌بخشند. یک اجتماع قومی دارای چهار بعد یا مؤلفه هست:

- منابع مشترک، شامل کالا و خدمات، قدرت، ثروت، معرفت و آبرو.
- روابط و تعاملات مشترک در سطوح عاطفی (اجتماعی)، قدرت، مبادله‌ای و گفتگویی یا ارتباطات نمادی.
- احساس مشترک یا وابستگی عاطفی که موجب تقویت احساس تعلق به جمع (قومی)، اعتماد اجتماعی و دوستی متقابل می‌شود که از مشخصه‌های اصلی همبستگی اجتماعی به شمار می‌روند.
- دانش مشترک یا رموز فرهنگی مشترک که شامل تمثال‌ها، شاخص‌ها، نمادها، باورها، ارزش‌ها و تکالیف (قومی) است و کارکرد آن‌ها انتقال، اشاعه و مبادله اطلاعات است (چلبی، ۱۳۷۸).

بنابراین طبق چارچوب نظری چلبی، می‌توان گفت افراد با برقراری این مناسبات چهارگانه، مای قومی خود را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، در چارچوب مناسبات مای ملی و مای قومی، در شرایط خاصی گرایش‌های خاص گرایانه قومی تقویت می‌شوند و رابطه برخی از اقوام با اجتماع ملی دچار اختلال می‌شود. مهم‌ترین عامل ایجاد اختلال، نابرابری و یا احساس نابرابری در توزیع منابع ارزشمند ثروت، قدرت، منزلت و دانش است. «آن نظام سیاسی که عمیقاً گرفتار تولید و بازتولید نابرابری در قدرت، ثروت، درآمد و فرصت‌هاست، به سختی می‌تواند از دیدگاه کسانی غیر از آن‌ها که مستقیماً از نظام منتفع می‌شوند، از مشروعیتی مستمر برخوردار گردد» (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۸۷).

این شرایط تاریخی که اجمالاً به آن‌ها اشاره شد، باعث شده‌اند شرایط عینی برای احساس عدالت توزیعی در عرصه‌های ثروت، قدرت، منزلت و دانش در میان برخی از اقوام ایرانی در حد پایینی باشد و آنان از نوعی احساس تبعیض و محرومیت رنج برند. این مسئله موجب شده تا چالش‌ها و منازعات قومی در شرایط تاریخی ایران تبدیل به مسئله‌ای مزمن شوند که هر از چند گاهی به گونه‌ای رخ می‌نمایند و احساسات قومی خاص گرایانه را در میان برخی



اقوام تقویت می‌کنند.

البته تا آن جا که به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که منازعات و چالش‌های مربوط به اقوام در سطح بین‌المللی، ملی و محلی معمولاً در چهارچوب ایدئولوژی‌های نوظهور ملی گرا، چپ گرا و عدالت خواه، فدرال گرا، و غیره جریان داشته‌اند. در نتیجه، کنش گران فعال این عرصه اغلب نخبگان فکری و تحصیل کردگان بوده‌اند. همان طور که گفته شد، دانشجویان، به ویژه دانشجویان متعلق به اقوام ایرانی، یکی از گروه‌های فعال در عرصه چالش‌های قومی بوده‌اند و این چالش‌ها در سطح دانشگاه‌ها ظهور کرده است. از سوی دیگر، محدودیت‌های مربوط به فعالیت‌های سیاسی ناهماهنگ با ایدئولوژی رسمی حاکم در شرایط فعلی ایران و نیز عدم امکان ظهور و بروز گرایش‌های قومی در قالب تشکیلات رسمی با نام و نشان قومی در محیط‌های دانشگاهی، باعث شده است که این جریان‌ها فعالیت‌های خود را در پوشش انجمن‌ها، تشکل‌ها و کانون‌های صنفی، علمی، هنری و... دانشجویی سازمان دهند یا دست کم از این تشکل‌های رسمی به عنوان کانونی برای تقویت ارتباطات قومی و افزایش نفوذ اجتماعی خود در محیط‌های دانشگاهی استفاده کنند. به عبارت دیگر، در شرایط محدودیت فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی قوم گرایانه، ممکن است کارکرد پنهان انجمن‌ها و کانون‌های رسمی دانشجویی (علمی، هنری، سیاسی و...) تقویت ارتباطات قومی برای افزایش نفوذ اجتماعی باشد. اگر چنین تحلیلی درست باشد، می‌توان انتظار داشت آن دسته از اقوام که احساس نابرابری بیشتری در توزیع منابع ارزشمند اجتماعی دارند، به انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی توجه بیشتری می‌دارند و میزان عضویت و مشارکت آنان در این کانون‌ها بیشتر خواهد بود. این فرضیه ای است که با پرسش‌های آغازین این مقاله ارتباط دارد. آن پرسش این است که آیا بین دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی و میزان مشارکت در برنامه‌های آنان تفاوتی وجود دارد؟ این پرسش با استفاده از اطلاعات حاصل از داده‌های دو پیمایش ملی دانشجویی بررسی می‌شود.

روش شناسی

همان طور که پیش‌تر مطرح شد، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از داده‌های دو طرح پیمایشی «سنجش نگرش‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» و «شیوع شناسی مصرف مواد



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۰

سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷



مخدر در بین دانشجویان دانشگاه های دولتی» فراهم آمده اند.^۱ طرح اول (نگرش ها و رفتار) بر اساس یک نمونه ۱۵۲۲ نفره از دانشجویان دختر و پسر در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۱-۸۰ در ۲۰ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، پژوهش‌ها و فناوری اجرا شده است.^۲ طرح دوم (شیوع شناسی) یک سال بعد در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ بر اساس نمونه ای متشکل از ۵۲۳۱ نفر از دانشجویان دختر و پسر ۲۱ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم به اجرا درآمده است.^۳ بنابراین نمونه این دو طرح، معرف دانشگاه های دولتی تحت پوشش وزارت علوم است و دانشگاه های پزشکی را در بر نمی گیرد. (برای آگاهی بیشتر درباره این دو طرح ن ک: سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۳؛ سراج زاده و فیضی، ۱۳۸۳). با آن که از اطلاعات هر دو طرح برای بررسی پرسش های این مقاله استفاده شده، در بخش تبیینی (بررسی رابطه قومیت با متغیرهای زمینه ای و عضویت در تشکل ها و کانون ها)، اغلب از اطلاعات طرح شیوع شناسی استفاده شده است زیرا تعداد نمونه طرح اخیر بیش از سه برابر طرح نگرش ها و رفتار است و در نتیجه، در جداول متقاطع، تعداد پاسخگویان در خانه های جدول به اندازه ای است که روابط آماری معنادار باشند.

در پرسشنامه این دو طرح، علاوه بر پرسش های متعددی که درباره موضوعات اصلی آن ها وجود دارد، از تعلق قومی دانشجویان هم پرسش شده است. همچنین دانشجویان به پرسش هایی درباره عضویت در انجمن ها، کانون ها و تشکل های دانشجویی، شرکت در برنامه های آن ها و میزان صرف وقت در آن ها پاسخ داده اند. به این ترتیب، برای بررسی پرسش این مقاله از داده های ثانویه استفاده می شود و روش مورد استفاده، تحلیل ثانویه^۴ است. در این روش، پژوهشگر از اطلاعاتی استفاده می کند که قبلاً در پژوهشی دیگر و متناسب با اهدافی دیگر گردآوری شده اند. استفاده از داده های ثانویه دارای محدودیت هایی است، از جمله این که پژوهشگر ناچار است در چارچوب اطلاعات موجود در پرسشنامه به

۱- از این پس برای رعایت اختصار، طرح "سنجش نگرش ها و رفتار دانشجویان دانشگاه های دولتی" با عنوان نگرش ها و رفتار و طرح "شیوع شناسی مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان دانشگاه های دولتی" با عنوان شیوع شناسی مورد اشاره قرار می گیرند.

۲- دانشگاه های موجود در حجم نمونه عبارت اند: تهران، شهید بهشتی، امیرکبیر، صنعتی شریف، الزهرا، علم و صنعت، تربیت معلم، اراک، اردبیل، ارومیه، صنعتی اصفهان، اهواز، تربیت معلم تبریز، رشت، زاهدان، شیراز، کرمان، کرمانشاه، مشهد، همدان.

۳- دانشگاه های موجود در حجم نمونه این پژوهش همان دانشگاه های طرح نگرش ها و رفتار دانشجویان هستند. جز آن که دانشگاه زابل هم به جمع آن ها اضافه شده است.

بررسی و تحلیل موضوع بپردازد (بیکر، ۱۳۷۷: ۳۰۷-۳۱۵؛ دواس، ۱۳۷۶: ۸۳-۸۱؛ بورگاتا و مونتگومری، ۲۰۰۰: ۳۲۷). بنابراین، در این مقاله هم به ناچار موضوع مورد بررسی در چارچوب اطلاعاتی که در پرسشنامه طرح‌های پژوهشی مورد استفاده موجود است بررسی و تحلیل می‌شود.

متغیرها و نحوه سنجش آن‌ها

علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، رشته تحصیلی، وضع تحصیلی و...)، متغیر اصلی مستقل در این مقاله، قومیت و متغیر اصلی وابسته عضویت در کانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی است. این متغیرها به ترتیب زیراندازه‌گیری شده‌اند:

• قومیت افراد با پاسخ آن‌ها به این پرسش که «از نظر قومی متعلق به کدام یک از اقوام ایرانی هستید؟» مشخص شده است. بنابراین احساس تعلق افراد به یک هویت قومی، مبنای تعیین قومیت آنان است.

• عضویت در کانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی با این پرسش که «در کدام تشکل، کانون، یا انجمن دانشجویی عضو هستید؟» مشخص شده است. این سوال دارای گزینه‌های پاسخی به شرح زیر بوده است که پاسخگویان می‌توانسته‌اند در مقابل به ازای هر تعداد عضویتی که داشته‌اند، گزینه مربوطه را علامت بزنند.



جدول ۱: گزینه‌های پاسخ پرسش عضویت در کانون‌ها و انجمن‌های دانشجویی در دو طرح

شیوع شناسی	سنجش نگرش	گزینه‌های پاسخ
+	+	انجمن‌ها و سازمان‌های دانشجویی مثل انجمن اسلامی
+	+	انجمن‌های علمی
+	+	کانون‌های ادبی، فرهنگی و هنری
+	+	کانون‌ها و تیم‌های ورزشی
+	+	کانون‌ها و تشکل‌های مذهبی مثل کانون قرآن
+	-	بسیج دانشجویی
+	+	سایر
+	+	در هیچ تشکل، کانون یا انجمنی عضو نیستم

- علاوه بر پرسش مربوط به عضویت، در طرح سنجش نگرش، پاسخگویان به سه پرسش زیر هم پاسخ داده‌اند اما این پرسش‌ها در طرح شیوع شناسی وجود نداشته‌اند:
 - «صرف نظر از عضویت، آیا در برنامه‌تشکل‌ها شرکت می‌کنید؟»
 - «در کدام یک از برنامه‌های تشکل‌ها شرکت می‌کنید؟»
 - «صرف نظر از عضویت یا عدم عضویت، به طور متوسط هفته‌ای چند ساعت از وقت خود را در ارتباط با تشکل‌ها صرف می‌کنید؟»

یافته‌های توصیفی

خصوصیات زمینه‌ای پاسخگویان

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، یافته‌های پژوهش حاضر برگرفته از دو طرح پیمایشی است که با فاصله یک سال در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم اجرا شده‌اند. در نتیجه، برای ارائه تصویری از ویژگی‌های پاسخگویان، یافته‌های توصیفی مربوط به هر دو طرح در جدول‌های ۲ و ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۲: خصوصیات زمینه‌ای پاسخگویان به تفکیک دو نمونه به صورت درصد

متغیر	طبقات پاسخ	طرح سنجش نگرش (سال ۱۳۸۰)	طرح شیوع شناسی (سال ۱۳۸۱)
تعداد کل پاسخگویان			
جنس	زن	۴۲٫۶	۵۰٫۴
	مرد	۵۷٫۴	۴۹٫۶
	جمع معتبر	۱۴۵۲	۵۱۶۲
سن	۱۷-۲۰	۳۸٫۱	۴۰٫۹
	۲۱-۲۴	۵۰٫۲	۵۱٫۴
	۲۵-۲۸	۹٫۵	۷
	۲۹ و بیشتر	۲٫۳	۰٫۷
وضعیت تأهل	جمع معتبر	۱۴۴۵	۵۰۱۲
	مجرد	۸۷٫۳	۹۰٫۱
	متأهل	۱۰٫۸	۹٫۵
	طلاق گرفته، فوت همسر	۱٫۸	۰٫۴
	جمع معتبر	۱۳۹۷	۴۷۴۴



۵۷٫۶	۶۴٫۶	فارس	قومیت
۲۱٫۳	۱۵٫۹	ترک	
۸٫۹	۹٫۵	کرد	
۶٫۹	۶٫۳	لر	
۱٫۹	۱٫۳	عرب	
۱٫۱	۱٫۰	بلوچ	
۰٫۴	۰٫۶	ترکمن	
۱٫۹	۰٫۸	سایر	
۴۸۵۱	۱۴۲۴	جمع معنبر	
۴۲٫۱	۴۳٫۰	پایین	پایگاه اجتماعی اقتصادی
۲۵٫۲	۳۵٫۵	متوسط	
۳۲٫۷	۲۱٫۵	بالا	
۴۴۵۲	۱۱۵۹	جمع معنبر	
۳۹٫۲	۳۶٫۴	انسانی و اجتماعی	رشته تحصیلی
۳۴٫۱	۲۷٫۷	پایه و کشاورزی	
۲۶٫۶	۳۵٫۹	فنی	
۴۹۴۱	۱۴۹۹	جمع معنبر	
۱۹٫۵	۱۷٫۹	۱	سال تحصیلی
۳۰٫۸	۲۱٫۴	۲	
۲۰٫۴	۲۳٫۴	۳	
۲۰٫۴	۱۹٫۵	۴	
۸٫۷	۷٫۷	۵ و بیشتر	
۵۰۶۷	۱۵۲۱	جمع معنبر	



بر اساس جدول ۲، ۵۷ درصد از دانشجویان نمونه اول (طرح سنجش نگرش) مرد و ۴۳ درصد از آن‌ها زن بوده‌اند. نسبت زنان و مردان در نمونه دوم (طرح شیوع شناسی) تقریباً برابر بوده است. افزایش نسبت زنان دانشجو در نمونه دوم با افزایش نسبت زنان در کل جمعیت دانشجویی هماهنگی دارد.

در نمونه اول ۳۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۰-۱۷ سال و حدود نیمی در گروه سنی ۲۴-۲۱ سال قرار دارند. به این ترتیب همان طور که انتظار می‌رود، حدود ۹۰ درصد پاسخگویان ۱۷ تا ۲۴ ساله بوده‌اند. این نسبت‌ها با تفاوت اندکی در نمونه دوم هم ملاحظه می‌شود. در میان پاسخگویان نمونه اول ۸۷ درصد مجرد، ۱۱ درصد متأهل و ۲ درصد افراد بدون

همسر(دراثر فوت یا طلاق) بوده‌اند. این نسبت در نمونه دوم با اندکی تغییر به ترتیب ۹۰ درصد، ۹/۵ درصد و ۰/۴ درصد بوده است.

در نمونه اول حدود دو سوم (۶۵ درصد) از افراد خود را فارس معرفی کرده‌اند. نسبت افرادی که خود را متعلق به قومیت‌های دیگر دانسته‌اند، به ترتیب ۱۵/۹ درصد آذری، ۹/۵ درصد کرد، ۶/۳ درصد لر، ۱/۳ درصد عرب، ۱ درصد بلوچ، ۰/۶ درصد ترکمن و ۰/۸ درصد از سایر اقوام بوده‌اند. در نمونه دوم نیز حدود ۵۷/۶ درصد فارس و ۲۱ درصد آذری بوده‌اند. نسبت‌های سایر اقوام تقریباً با نسبت‌های مربوط به نمونه اول برابر بوده است. به طور خلاصه می‌توان گفت در مجموع اکثریت (حدود سه پنجم) پاسخگویان هر دو نمونه فارس، حدود یک پنجم آذری و یک پنجم بقیه نیز از سایر اقوام بوده‌اند که در میان آن‌ها دانشجویان کرد و لر شمار بیشتری داشته‌اند. از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی^{۱۱}، در هر دو نمونه بیش از نیمی از پاسخگویان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسطی هستند. از نیمه دیگر در نمونه اول ۳۴ درصد دارای پایگاه پایین و ۱۲/۵ درصد دارای پایگاه بالا بوده‌اند، ولی در نمونه دوم نسبت افرادی که متعلق به پایگاه پایین و بالا بوده‌اند تقریباً برابر بوده است. (۲۴ درصد).

در حدود ۳۶ درصد پاسخگویان نمونه اول در رشته‌های انسانی و اجتماعی، ۲۸ درصد در رشته‌های علوم پایه و کشاورزی و ۳۶ درصد در رشته‌های فنی و مهندسی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. در نمونه دوم نیز بیشتر افراد (حدود ۳۹ درصد) در رشته‌های انسانی و اجتماعی بودند، اما نسبت دانشجویان رشته‌های علوم پایه و کشاورزی و حتا مهندسی در نمونه دوم بر عکس نمونه اول است.

در هر دو نمونه مورد بررسی، حدود یک پنجم افراد در هر یک از سال‌های اول تا چهارم دوره تحصیلی خود بوده‌اند. تنها تفاوت عمده دو نمونه از این نظر، مربوط به سال دومی‌های نمونه دوم است که نسبت آنان حدود ۳۰ درصد شده است. در مقابل نسبت افرادی که در سال پنجم به بعد تحصیل کرده‌اند، در نمونه دوم در مقایسه با نمونه اول حدود ۱۰ درصد کمتر بوده است.

۱ - شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی از ترکیب ۳ متغیر درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی به دست آمده است. هر یک از این سه متغیر به ترتیب زیر در ۷ طبقه تقسیم بندی شده‌اند. درآمد (کمتر از ۵۰ هزار تومان) کد ۱، (۹۹-۵۰ هزار تومان) کد ۲، (۱۷۴-۱۰۰ هزار تومان) کد ۳، (۲۴۹-۱۷۵ هزار تومان) کد ۴ (۳۲۴-۲۵۰ هزار تومان) کد ۵، (۳۹۹-۳۲۵ هزار تومان) کد ۶، (۴۰۰ هزار تومان و بیشتر) کد ۷ گرفته‌اند. در متغیر تحصیلات، بی سواد کد ۱، نهضت و ابتدایی کد ۲، راهنمایی کد ۳، دیپلم کد ۴، کاردانی کد ۵، کارشناسی و تحصیلات حوزوی کد ۶ و کارشناسی ارشد و دکتری کد ۷ هستند. منزلت شغلی پدر نیز به ۷ طبقه تقسیم بندی شده است؛ کد ۱ بمعنای کمترین و کد ۷ بمنزله بیشترین منزلت شغلی است. پس از ترکیب این سه متغیر که دارای دامنه تغییرات یکسان هستند، امتیاز به دست آمده ۲۱-۳ است. در نهایت افراد نمونه از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به سه گروه پایین (نمره ۸-۳)، متوسط (نمره ۱۵-۹) و بالا (نمره ۲۱-۱۶) تقسیم بندی شده‌اند.



در مجموع با آن که تکنیک نمونه گیری، تعداد نمونه و سال اجرای پرسشنامه در دو طرح مورد بررسی، متفاوت بوده و این تفاوت‌ها در توزیع فراوانی صفات و ویژگی‌های پاسخگویان هر نمونه از نظر صفات مورد بررسی، تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند، اما توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر خصوصیات زمینه‌ای، حاکی از هماهنگی و نزدیکی یافته‌های حاصل از دو نمونه، به ویژه در مورد ویژگی‌هایی مثل جنسیت، سن، وضعیت تأهل و قومیت است. این هماهنگی یافته‌ها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از اعتبار یافته‌های این دو پژوهش تلقی شود.

فعالیت دانشجویان در تشکلهای دانشجویی

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، در نمونه اول (طرح سنجش نگرش) در پاسخ به پرسش مربوط به عضویت در تشکلهای دانشجویی، نزدیک به نیمی (۴۸ درصد) از پاسخگویان اظهار داشته‌اند در هیچ‌کانون یا تشکلی عضو نبوده‌اند و بیش از نیمی (۵۲ درصد) گفته‌اند حداقل در یک تشکل عضو بوده‌اند. در نمونه دوم هم تقریباً همین نسبت‌ها از نظر عضویت و عدم عضویت در تشکلهای دانشجویی ملاحظه می‌شود.

از نظر عضویت در انواع تشکلهای دانشجویی، در نمونه اول حدود ۱۹/۲ درصد در انجمن‌های علمی، ۱۸/۸ درصد در انجمن اسلامی، ۱۳/۸ درصد در کانون‌های ورزشی، ۹/۷ درصد در کانون‌های ادبی و هنری، ۵/۸ درصد در انجمن‌های مذهبی و ۳/۶ درصد در سایر تشکلهای دانشجویی عضویت داشته‌اند. در گزینه پاسخ‌های نمونه اول بسیج وجود نداشته و احتمال دارد افراد عضو، خود را عضو تشکلهای اسلامی و مذهبی معرفی کرده باشند. اما در نمونه دوم (طرح شیوع شناسی) عضویت افراد در انجمن اسلامی ۸/۴ درصد، انجمن‌های علمی ۱۷ درصد، انجمن‌های ادبی و هنری ۱۰/۲ درصد، کانون‌های ورزشی ۷/۸ درصد، انجمن‌های مذهبی و بسیج دانشجویی ۱۳/۷٪ و سایر تشکلهای ۳/۵٪ بوده است. مهم‌ترین تفاوتی که در نمونه اول و دوم از نظر عضویت در انواع تشکلهای دانشجویی دیده می‌شود، مربوط به نسبت افرادی است که خود را عضو انجمن اسلامی معرفی کرده‌اند که در نمونه دوم نسبت به اول حدود ۱۰ درصد کمتر بوده‌اند. این کاهش می‌تواند ناشی از دو مسئله باشد: یکی کاهش توجه دانشجویان به انجمن‌های اسلامی در سال‌های اخیر و دوم، این که احتمال دارد دانشجویان عضو بسیج در نمونه اول که فاقد این گزینه وجود بوده است، خود را عضو انجمن‌های اسلامی معرفی کرده باشند. در سایر تشکلهای نسبت کسانی که خود را عضو دانسته‌اند در هر دو نمونه تقریباً یکسان بوده است، به جز انجمن‌های ورزشی که در نمونه اول



۶ درصد بیشتر از نمونه دوم است. در مجموع، این یافته‌ها حاکی از توجه بیشتر دانشجویان به کانون‌ها و انجمن‌های علمی است.

در پرسش دیگری از پاسخگویان خواسته شد است تا مشخص کنند صرف نظر از این که در تشکل‌ها عضو هستند یا خیر، در برنامه‌های کدام یک از تشکل‌ها شرکت می‌کنند؟ در پاسخ به این پرسش بیش از یک سوم (۳۰/۴ درصد) از پاسخگویان اظهار کرده‌اند در برنامه‌های هیچ تشکلی شرکت نمی‌کنند و بیش از دو سوم (۶۹/۴ درصد) گفته‌اند در برنامه‌های تشکل‌های مذکور شرکت می‌کنند. از نظر نوع تشکل‌هایی که دانشجویان در برنامه‌های آن‌ها شرکت می‌کنند، حدود ۳۳ درصد از پاسخگویان در برنامه‌های انجمن اسلامی و بیش از یک چهارم (بین ۲۵ تا ۳۰ درصد) در برنامه‌های انجمن‌های علمی، مذهبی و کانون‌های ادبی و هنری شرکت می‌کنند. کمترین میزان مربوط به کانون‌های ورزشی بوده، که چرا فقط حدود یک پنجم (۲۰/۹ درصد) اظهار داشته‌اند در برنامه‌هایی که این کانون‌ها برگزار می‌کنند، شرکت می‌دارند. کمترین بودن نسبت برنامه‌های انجمن‌های ورزشی که دانشجویان در آن شرکت می‌کنند، ممکن است ناشی از عدم علاقه آن‌ها به ورزش نباشد، بلکه به این دلیل باشد که برنامه‌های عمومی‌ای که توسط کانون‌های ورزشی برگزار می‌شوند، کمتر از سایر کانون‌ها بوده است.

جدول ۳: فعالیت در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی به تفکیک دو نمونه به صورت درصد

معتبر	طبقات پاسخ	طرح سنجش نگرش	طرح شیوع شناسی
تعداد کل پاسخگویان			
آیا در هیچ یک از تشکل‌های دانشجویی عضو هستید؟	بله	۱۵۲۲	۵۲۵۰
	خیر	۸۴۳	۳۵/۵
	جمع معتبر	۱۴۸۹	۵۰۱۱
در کدام تشکل، کانون یا انجمن دانشجویی عضو هستید؟	انجمن اسلامی	۸۱/۸	۸۴
	علمی	۹۱/۲	۱۷/۰
	ادبی و هنری	۹/۷	۰/۱۲
	ورزشی	۳۱/۸	۷/۸
	مذهبی	۵/۸	۷/۸
	بسیج	-	۱۳/۷
	سایر	۳/۶	۳/۵





-	۶۹/۶	بله	صرف نظر از عضویت، آیا در برنامه تشکیل ها شرکت می کنید؟
-	۰۳/۴	خیر	
-	۱۴۶۲	جمع معتبر	
-	۳۳/۰	انجمن اسلامی	در کدام یک از برنامه های تشکیل ها شرکت می کنید؟
-	۹۲/۸	علمی	
-	۴۲/۷	ادبی و هنری	
-	۰۲/۹	ورزشی	
-	۲۶/۵	مذهبی	
-	-	بسج	
-	۳/۱	سایر	
۱۴/۴	۳۶/۷	در حد صفر	صرف نظر از عضویت یا عدم عضویت به طور متوسط هفته ای چند ساعت از وقت خود را در ارتباط با تشکیل ها صرف می کنید**
۰۲/۸	۲۷/۶	۱-۲ ساعت	
۳۱/۸	۱۵/۷	۳-۴ ساعت	
۶۱/۹	۱۴/۶	۵-۱۰ ساعت	
۶/۹	۵/۳	بیش از ۱۰ ساعت	
۲۷/۸	۱۲/۶	جمع معتبر	

*در نمونه دوم از میزان صرف وقت اعضا در تشکیل ها پرسش شده است.

از نظر میزان صرف وقت در برنامه های تشکیل ها توسط دانشجویان عضو و غیر عضو، بیش از یک سوم (۳۶/۷ درصد) اظهار داشته اند به طور متوسط در هر هفته میزان وقتی که در ارتباط با تشکیل های دانشجویی صرف می کنند، در حد صفر است و حدود یک چهارم (۲۷/۶ درصد) دانشجویان به طور متوسط در طول هفته ۱-۲ ساعت، ۱۵/۷ درصد ۳-۴ ساعت، ۱۴/۶ درصد در حدود ۵-۱۰ ساعت و ۵/۳ درصد بقیه، بیش از ۱۰ ساعت وقت خود را در برنامه های مربوط به این کانون ها صرف کرده اند. بنابراین حدود یک پنجم دانشجویان، مشارکت زیادی در برنامه های انجمن ها و تشکیل های دانشجویی داشته اند، به طوری که در هر هفته بیش از ۵ ساعت از وقت خود را در برنامه ها صرف کرده اند، از میان این افراد، اقلیت کوچکی در حدود ۵ درصد، بیش فعال بوده اند و هر هفته بیش از ۱۰ ساعت در برنامه های این کانون ها فعالیت می کنند.

توزیع فراوانی دانشجویان از نظر میزان صرف وقت در برنامه های تشکیل های دانشجویی در نمونه دوم هم تقریباً مشابه نمونه اول است. در هر دو نمونه حدود یک پنجم دانشجویان

نسبتاً وقت زیادی در برنامهٔ تشکیل‌ها صرف می‌کنند (بیش از ۵ ساعت در هفته) که در این بین یک اقلیت (حدود ۵-۶ درصد) فعالتر از بقیه هستند و هفته ای بیش از ۱۰ ساعت از وقت خود را در برنامه‌های این کانون‌ها می‌گذرانده‌اند. بیش از یک سوم دانشجویان هم تقریباً نسبت به برنامه‌های تشکیل‌ها بی تفاوت بوده‌اند و هیچ وقتی صرف شرکت در برنامه‌های آن‌ها نمی‌کرده‌اند.

تفاوت‌های قومیتی

با توجه به این که متغیر اصلی مستقل در این بررسی قومیت است، در این بخش تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر متغیرهای زمینه ای و نیز عضویت و صرف وقت در تشکیل‌های دانشجویی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر متغیرهای زمینه ای

جدول ۴: جنسیت پاسخگویان به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونهٔ ۲

متغیر	طیقات پاسخ	قومیت					
		فارسی	آذری	کرد	لر	سایر	جمع
جنس	زن	۴۵	۱۵	۸۳	۶۴	۲۴	۱۵
	مرد	۶۴	۹۴	۲۶	۳۵	۸۵	۹۴
	جمع معتبر	۰۷۷۲	۶۲۰۱	۰۳۴	۱۳۳	۳۵۲	۰۱۸۴
معناداری		VC = ۰/۰۱ gS = ۰/۰۰۰					

در جدول شمارهٔ ۴ می‌توان رابطهٔ میان دو متغیر جنسیت و قومیت را به تفکیک مشاهده کرد. در میان دانشجویان فارس، نسبت زن‌ها اندکی بیش از مردان است (۵۴ درصد در مقابل ۴۶ درصد) در حالی که در بین دانشجویان آذری نسبت زن‌ها و مردها تقریباً برابر است. در بین اقوام کم‌شمارتر، ترکیب جنسی دانشجویان به نفع مردان است و در این میان، بیشترین عدم تعادل مربوط به کردها است که در میان آن‌ها نسبت زنان دانشجو ۳۸ درصد و نسبت مردان ۶۲ درصد است. رابطهٔ مشاهده شده بین قومیت و جنسیت دانشجویان از نظر آماری معنادار و شدت رابطه ضعیف است. نسبت کمتر زنان دانشجو در میان کردها و لرها در مقایسه با فارس‌ها و آذری‌ها می‌تواند نشان دهندهٔ بافت‌های سنتی‌تر و توسعه یافتگی کمتر مناطق مربوط به این قومیت‌ها باشد.



در جدول شماره ۵ می‌توان رابطه بین دو متغیر سن و قومیت را مشاهده کرد. بر اساس نمونه مورد بررسی (نمونه دوم) ترکیب سنی و میانگین سن دانشجویان متعلق به قومیت‌های لر و کرد اندکی مسن‌تر از دانشجویان فارس و آذری است. تفاوت سنی متعلق به قومیت‌های مختلف هر چند به دلیل بزرگ بودن حجم نمونه از نظر آماری معنا دار است، ولی این تفاوت بسیار کوچک است.

جدول شماره ۶ رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و قومیت افراد را نشان می‌دهد. در میان همه قومیت‌ها نسبت دانشجویان متعلق به پایگاه متوسط بیش از پایگاه‌های بالا و پایین و بین ۴۵ تا ۵۴ درصد است. با وجود این، نسبت افراد متعلق به پایگاه‌های پایین و بالا در بین قومیت‌های مختلف، متفاوت است به طوری که بیشترین افراد متعلق به پایگاه پایین در بین کردها (۴۱ درصد) و بعد از آن به ترتیب لرها (۳۲ درصد)، سایر اقوام (۲۹ درصد)، آذری‌ها (۲۷ درصد) و فارس‌ها (۲۰ درصد) دیده می‌شوند. این تفاوت‌ها از نظر آماری معنا دار هستند.

در نتیجه، بیشترین نسبت افراد متعلق به پایگاه پایین، کردها بوده‌اند، حدود ۲ برابر این نسبت در فارس‌ها دیده می‌شود. متقابلاً نسبت افراد متعلق به پایگاه بالا در بین کردها و لرها ۱۳ تا ۱۴ درصد است، که حدود نصف این نسبت در بین فارس‌ها دیده می‌شود. دانشجویان دارای پایگاه بالا در بین دانشجویان آذری ۲۰ درصد هستند. بنابراین، وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف، نشان دهنده موقعیت فروتر اقتصادی اجتماعی اقلیت‌های قومی، به ویژه کردها و لرهاست.

جدول ۵: سن پاسخگویان به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۲

متغیر	طبقات پاسخ	قومیت				
		فارس	آذری	کرد	لر	سایر
سن	۷۱-۸۱	۶	۴	۳	۳	۵
	۱۹-۲۰	۳۸	۳۴	۳۶	۲۹	۲۸
	۲۱-۲۲	۳۵	۳۸	۳۵	۳۸	۲۷
	۲۳-۲۴	۱۵	۱۷	۱۶	۲۱	۲۱
	۲۵ و بیشتر	۶	۸	۱۰	۹	۱۹
	جمع معتبر	۲۷۰۷	۱۰۰۷	۴۲۵	۳۲۱	۲۴۵
معناداری		=۰cv/۰۷=۰sig/۰۰۰				



جدول ۶: پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۲

متغیر	طبقات پاسخ	قومیت				
		فارس	آذری	کرد	لر	سایر
پایگاه اجتماعی اقتصادی	پایین	۲۰	۲۷	۴۱	۳۲	۲۹
	متوسط	۵۳	۵۳	۴۵	۵۴	۴۹
	بالا	۲۷	۲۰	۱۳	۱۴	۲۲
	جمع معتبر	۱۹۳۳	۷۳۶	۳۰۲	۲۳۷	۱۴۶
معناداری		=vcv/1 =sig/000				

در جدول شماره ۷ می‌توان رابطه دو متغیر رشته تحصیلی و قومیت افراد را ملاحظه کرد. نسبت دانشجویان در رشته‌های انسانی و اجتماعی بین لرها و کردها بیش از سایر قومیت‌ها است و به ترتیب ۵۷ درصد و ۴۹ درصد را به خود اختصاص داده است. این نسبت در بین دانشجویان فارس و آذری به ترتیب ۴۰ درصد و ۳۲ درصد است. در حالی که نسبت دانشجویان رشته‌های علوم پایه و کشاورزی و به ویژه فنی و مهندسی، در بین دانشجویان فارس و آذری بیش از دانشجویان لر و کرد است. این تفاوت در رشته‌های فنی و مهندسی بیش از علوم پایه و کشاورزی دیده می‌شود، به طوری که حدود ۲۸-۲۷ درصد دانشجویان فارس و آذری در رشته‌های فنی و مهندسی تحصیل کرده‌اند در حالی که در دانشجویان کرد و لر این نسبت به ترتیب ۲۰ و ۱۶ درصد بوده است. این رابطه از نظر آماری با سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ معنا دار است.

جدول ۷: رشته تحصیلی پاسخگویان به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۲

متغیر	طبقات پاسخ	قومیت				
		فارس	آذری	کرد	لر	سایر
رشته تحصیلی	انسانی و اجتماعی	۰۴	۲۳	۹۴	۷۵	۰۴
	پایه و کشاورزی	۳۳	۹۳	۱۳	۷۲	۶۳
	فنی	۷۲	۸۲	۰۲	۶۱	۴۲
	جمع معتبر	۱۳۶۲	۳۰۰۱	۸۰۴	۲۰۳	۷۲۲
معناداری		=vcv/1 =sig/000				



تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر فعالیت در تشکل‌های دانشجویی

جدول ۸: عضویت در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۲

معاداری	قومیت						عضویت
	جمع	سایر	لر	کرد	آذری	فارس	
= sig/۹ = cv/۲	۵۳	۵۵	۵۰	۵۵	۴۵	۳۵	بله
	۴۷	۴۵	۵۰	۴۵	۴۶	۴۷	خیر
	۴۶۴۲	۲۴۴	۳۲۱	۴۲۱	۹۷۸	۲۶۷۸	جمع معتبر

در جدول شماره ۸ می‌توان رابطه بین عضویت در تشکل‌های دانشجویی و قومیت افراد را مشاهده کرد. با توجه به این جدول، بین دو متغیر عضویت در تشکل‌های دانشجویی و قومیت افراد، رابطه‌ای وجود ندارد، به طوری که اندکی بیش از نیمی (۵۵-۵۰ درصد) از دانشجویان متعلق به همه قومیت‌ها در تشکل‌های دانشجویی عضو هستند و اندکی کمتر از نیمی (۵۰-۴۵ درصد) در هیچ انجمن و کانونی عضویت ندارند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۵۲

سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷

جدول ۹: عضویت در انواع تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۲

معاداری	قومیت						نوع تشکل
	جمع	سایر	لر	کرد	آذری	فارس	
= sig/۳ = cv/۰۳	۸/۳	۱۰/۷	۹/۱	۱۰/۰	۸/۱	۷/۸	انجمن اسلامی
= sig/۴ = cv/۰۳	۱۷/۲	۱۹/۷	۱۳/۸	۱۵/۹	۱۷/۶	۱۷/۴	علمی
= sig/۵ = cv/۰۳	۱۰/۲	۸/۶	۱۱/۳	۹/۵	۹/۲	۱۰/۷	ادبی و هنری
= sig/۰۰۲ = cv/۰۶	۷/۷	۱۰/۷	۱۲/۸	۶/۹	۷/۲	۷/۲	ورزشی
= sig/۶ = cv/۰۳	۴/۱	۴/۱	۴/۷	۲/۶	۴/۲	۴/۳	مذهبی
= sig/۰۰۲ = cv/۰۵	۱۳/۹	۱۲/۳	۱۹/۱	۱۱/۴	۱۵/۰	۱۳/۳	بسیج
= sig/۳ = cv/۰۳	۳/۵	۵/۳	۲/۸	۲/۹	۴/۱	۳/۲	سایر

جدول شماره ۹ تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف را از نظر عضویت در انواع کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی نشان می‌دهد. همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، میزان عضویت دانشجویان کرد و لر در انجمن‌های اسلامی ۹ درصد است که بیش از دانشجویان فارس و آذری است ولی این تفاوت از نظر آماری معنا دار نیست. همچنین با آن که میزان عضویت دانشجویان کرد و لر در انجمن‌های علمی اندکی کمتر از میزان عضویت دانشجویان فارس و آذری است، در این مورد هم اندک تفاوت مشاهده شده، از نظر آماری معنا دار نیست. بین قومیت دانشجویان و میزان عضویت آن‌ها در انجمن‌های ادبی و هنری هم رابطه معنی داری وجود ندارد. در مورد کانون‌ها و تشکل‌های مذهبی هم میزان عضویت کردها (۲/۶ درصد) اندکی کمتر از سایر قومیت‌ها است، حدود ۴ درصد آنان در تشکل‌های مذهبی عضو هستند، ولی این تفاوت از نظر آماری معنا دار نیست.

کانون‌های ورزشی و بسیج دانشجویی، تنها کانون‌ها و تشکل‌هایی هستند که عضویت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف در آن‌ها تفاوت معنا دارد. در مورد کانون‌ها و تیم‌های ورزشی، میزان عضویت دانشجویان لر حدود ۱۳ درصد است که در حد معنا داری بیش از میزان عضویت سایر قومیت‌ها در این تشکل‌ها است (حدود ۷ درصد). در مورد بسیج دانشجویی بیشترین میزان عضویت (۱۹ درصد) متعلق به دانشجویان لر و کمترین میزان عضویت (۱۱ درصد) متعلق به دانشجویان کرد است. میزان عضویت فارس‌ها و آذری‌ها به ترتیب (۱۳ درصد) و (۱۵ درصد) است. کمتر بودن عضویت دانشجویان کرد در بسیج دانشجویی ممکن است ناشی از نگرش منفی‌تر آنان نسبت به این نهاد باشد که این خود می‌تواند ناشی از سابقه تنش‌ها و چالش‌های کردها با حکومت و نهادهای وابسته به آن باشد.

همان طور که قبلاً اشاره شد، در نمونه اول یک پرسش در باره شرکت در برنامه‌های انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی، صرف نظر از عضو بودن یا نبودن، وجود داشت. یافته‌های مربوط به این پرسش به تفکیک قومیت در جدول شماره ۱۰ ارائه شدند. بر اساس این جدول، میزان شرکت دانشجویان کرد و لر در برنامه‌های انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی اندکی (۲ تا ۵ درصد) بیش از دانشجویان فارس و آذری است، ولی این تفاوت از نظر آماری معنا دار نیست. در نتیجه از نظر شرکت در برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی تفاوتی بین دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف وجود ندارد.



جدول ۱۰: شرکت در برنامه‌های تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۱

معاداری	قومیت						شرکت
	جمع	سایر	لر	کرد	آذری	فارس	
Sig = ۰/۶۷۲	۷۰	۶۳	۷۵	۷۲	۷۰	۷۰	بله
	۳۰	۳۷	۲۵	۲۸	۳۰	۳۰	خیر
	۱۳۴۳	۱۵	۳۸	۹۲۱	۵۱۲	۵۶۸	جمع معتبر

جدول شماره ۱۱ میزان شرکت در برنامه‌های انواع انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی را به تفکیک قومیت نشان می‌دهد. میزان شرکت دانشجویان کرد در برنامه‌های انجمن‌های اسلامی ۱۷ درصد و کمتر از سایر قومیت‌ها است. در مقابل میزان شرکت دانشجویان کرد در برنامه‌های ادبی بیش از سایر قومیت‌ها است. همچنین دانشجویان فارس و آذری بیش از دانشجویان کرد و لر در برنامه‌های انجمن‌های علمی شرکت می‌کنند. با وجود این، به دلیل کوچک بودن حجم نمونه ۱ (در مقایسه با نمونه ۲) این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار نیستند. تنها تفاوت معنی دار و قابل توجه از نظر میزان شرکت قومیت‌های مختلف در برنامه‌های انجمن‌های دانشجویی، مربوط به انجمن‌های مذهبی است. میزان شرکت دانشجویان کرد در برنامه‌های انجمن‌های مذهبی ۹ درصد است که تقریباً نصف میزان مربوط به فارس‌ها، آذری‌ها و لرها است که به ترتیب ۱۷، ۲۱ و ۲۲ درصد آن‌ها در برنامه‌های انجمن‌های مذهبی شرکت می‌کنند. مشارکت کم دانشجویان کرد در برنامه‌های مذهبی ممکن است ناشی از تفاوت‌های سیاسی و مذهبی آنان باشد. احتمالاً اکثر دانشجویان کرد سنی مذهب هستند و همچنین به دلیل سوابق تنش‌های سیاسی با حکومت، برنامه‌های مذهبی شیعی با مضامین سیاسی متمایل به حکومت برای آنان جذابیتی ندارد. در نتیجه مشارکت آنان در این برنامه‌ها دست کم نصف مشارکت سایر دانشجویان است.

جدول ۱۱: شرکت در انواع تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی به تفکیک قومیت به صورت درصد در نمونه ۱

معاداری	قومیت						نوع تشکل
	کل	سایر	لر	کرد	آذری	فارس	
%۰۷۱	۲۴	۲۰	۲۱	۱۷	۳۰	۲۴	انجمن اسلامی
%۴۱۴	۳۰	۲۲	۲۷	۲۷	۳۰	۳۲	علمی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۵۴

سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷

ادبی و هنری	۲۵	۲۶	۳۲	۲۸	۱۸	۲۶	۲۹۳٪
ورزشی	۲۲	۲۰	۲۳	۱۹	۱۴	۲۱	۶۴۶٪
مذهبی	۱۷	۲۱	۹	۲۲	۱۰	۱۷	۰۲۱٪
سایر	۳	۳	۲	۴	۲	۳	۹۶۶٪

نتیجه گیری

پرسش اصلی این مقاله آن بود که آیا بین دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر عضویت و مشارکت در کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی تفاوتی وجود دارد؟ این پرسش با توجه به برخی واقعیت‌های مربوط به چالش‌های قومی در ایران، اهمیت خاصی می‌یابد. سوابق تاریخی مربوط به روابط برخی از اقوام ایرانی با دولت مرکزی، باعث شده است شرایط عینی برای احساس عدالت توزیعی در عرصه‌های ثروت، قدرت، منزلت و دانش در میان آنان در حد پایینی باشد (نک: یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۸-۸۴؛ پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۳).

از سوی دیگر، منازعات و چالش‌های مربوط به اقوام عمدتاً در چارچوب ایدئولوژی‌های نوپدید جریان داشته‌اند. در نتیجه، کنش گران فعال این عرصه اغلب نخبگان فکری و تحصیل کردگان، از جمله دانشجویان بوده‌اند و این چالش‌ها در سطح دانشگاه‌ها هم ظهور کرده است. از سوی دیگر، در شرایط محدودیت برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی قوم گرایانه، ممکن است کارکرد پنهان انجمن‌ها و کانون‌های رسمی دانشجویی (علمی، هنری، سیاسی، و...) تقویت ارتباطات قومی برای افزایش نفوذ اجتماعی باشد. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت برخی از اقوام، به ویژه آن‌هایی که احساس نابرابری بیشتری در توزیع منابع ارزشمند اجتماعی دارند، به انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی توجه بیشتری داشته باشند و میزان عضویت و مشارکت آنان در این انجمن‌ها بیشتر باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند حدود سه پنجم پاسخگویان فارس، حدود یک پنجم آذری و یک پنجم بقیه را سایر اقوام تشکیل می‌دهند که در میان آن‌ها، دانشجویان کرد و لر دارای شمار بیشتری هستند (به ترتیب حدود ۹ درصد و ۷ درصد).

مقایسه دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد برخلاف فارس‌ها و آذری‌ها، در بین کردها و لرها ترکیب جنسیتی دانشجویان به نفع مردان است، به طوری که ۶۲ درصد دانشجویان کرد و ۵۴ درصد دانشجویان لر، مرد هستند. همچنین





از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، بیشترین نسبت افراد متعلق به پایگاه پایین در بین کردها دیده می‌شود (۴۱ درصد) که حدود ۲ برابر همین نسبت در بین فارس‌ها است. متقابلاً نسبت افراد متعلق به پایگاه بالا در بین کردها و لرها ۱۳ تا ۱۴ درصد است که حدود نصف این نسبت در میان فارس‌ها است. بنابراین، وضعیت ترکیب جنسیتی و پایگاه اجتماعی اقتصادی دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف نشان دهنده موقعیت فروتر اقتصادی - اجتماعی برخی از اقوام، به ویژه کردها و لرها است. این امر با محرومیت نسبی مناطق کردنشین و لرنشین از نظر شاخص‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند.^۱

از نظر متغیرهای وابسته در این بررسی، نزدیک به نیمی (۴۸ درصد) از پاسخگویان اظهار داشته‌اند در هیچ کانون یا تشکلی عضویت نداشته‌اند و بیش از نیمی (۵۲ درصد) گفته‌اند حداقل در یک تشکل عضو بوده‌اند. دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف از نظر میزان عضویت در تشکل‌های دانشجویی، تفاوتی ندارند. همچنین اکثریت قریب به سه چهارم (۷۰ درصد) دانشجویان در برنامه‌های مختلفی که توسط تشکل‌های دانشجویی برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و از این حیث تفاوتی بین قومیت‌های مختلف وجود ندارد.

از نظر عضویت در انواع تشکل‌های دانشجویی، بیشترین میزان عضویت مربوط به انجمن‌ها و کانون‌های علمی بوده است که نزدیک یک پنجم دانشجویان در آن‌ها عضویت داشته‌اند، بعد از آن بسیج دانشجویی (با حدود ۱۴ درصد) قرار دارد و میزان عضویت در سایر تشکل‌ها به حدود ۱۰ درصد و کمتر تقلیل می‌یابد. در این مورد، تفاوت اندکی بین دانشجویان قومیت‌های مختلف وجود دارد. تنها تفاوت عمده مربوط به بسیج دانشجویی است که بیشترین میزان عضویت (۱۹ درصد) در آن، متعلق به دانشجویان لر و کمترین میزان عضویت (۱۱ درصد) متعلق به دانشجویان کرد است. میزان عضویت فارس‌ها و آذری‌ها به ترتیب ۱۳ درصد و ۱۵ درصد است. کمتر بودن عضویت دانشجویان کرد در بسیج دانشجویی را می‌توان ناشی از نگرش منفی تر آنان نسبت به این نهاد دانست که این خود می‌تواند ناشی از سابقه تنش‌ها و چالش‌های کردها با حکومت و نهادهای وابسته به آن باشد. میزان عضویت کردها در تشکل‌های مذهبی هم کمتر از سایر قومیت‌هاست. با وجود این، میزان عضویت دانشجویان کرد در انجمن‌های اسلامی اندکی بیشتر از لرها، فارس‌ها و آذری‌هاست، هر چند این دو تفاوت اخیر از نظر آماری معنادار نیست. از نظر شرکت

۱ طبق پژوهشی که درباره رتبه بندی استان‌های کشور از نظر معرف‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است، دو استان لرستان و کردستان در پایین‌ترین مرتبه قرار دارند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴).

در مراسمی که توسط تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی برگزار می‌شود، عمده‌ترین تفاوتی که معنادار هم هست مربوط به برنامه‌های انجمن‌های مذهبی است. میزان شرکت دانشجویان کرد در برنامه‌های این انجمن‌ها ۹ درصد است که تقریباً نصف میزان مربوط به فارس‌ها، آذری‌ها، و لرهاست. مشارکت کم دانشجویان کرد در برنامه‌های مذهبی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های سیاسی و مذهبی آنان باشد. احتمالاً اکثر دانشجویان کرد سنی مذهب هستند و همچنین به دلیل سوابق تنش‌های سیاسی با حکومت، برنامه‌های مذهبی شیعی با مضامین سیاسی متمایل به حکومت برای آنان جذابیتی ندارد. در نتیجه مشارکت آنان در این برنامه‌ها دست کم نصف مشارکت سایر دانشجویان است.

در مجموع، یافته‌های مربوط به تفاوت دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف در تشکل‌های دانشجویی، مؤید آن است که تنها تفاوت مشاهده شده معنادار، میزان کمتر عضویت و مشارکت دانشجویان کرد در تشکل‌های مذهبی، بسیج دانشجویی و برنامه‌های آن‌ها می‌باشد. این یافته با تفاوت‌های مذهبی و سیاسی کردها قابل تبیین است.

از سوی دیگر، این یافته‌ها اثبات‌کننده این فرضیه نیستند، که به دلیل محدودیت‌های مربوط به ظهور و بروز گرایش‌های قومی در قالب تشکیلات رسمی در این محیط‌های دانشگاهی، ممکن است این جریان‌ها از تشکل‌های رسمی به عنوان کانونی برای تقویت ارتباطات قومی و افزایش نفوذ اجتماعی خود در محیط‌های دانشگاهی استفاده کنند و در نتیجه دانشجویان متعلق به اقوامی که احساس نابرابری بیشتری در توزیع منابع ارزشمند اجتماعی دارند، توجه بیشتری به انجمن‌ها و کانون‌های دانشجویی داشته باشند و میزان عضویت و مشارکت آنان در این کانون‌ها بیشتر باشد. با وجود این، این واقعیت که دانشجویان کرد در تشکل‌های مذهبی و بسیج، کمتر از سایرین مشارکت دارند، اما در انجمن‌های اسلامی، اندکی بیشتر یا به یک میزان فعالیت دارند، تاحدی با فرضیه فوق همخوانی دارد زیرا انجمن‌های اسلامی در سال‌های اخیر از جمله سیاسی‌ترین و انتقادی‌ترین تشکل‌های دانشجویی بوده‌اند. این خصلت انجمن‌ها توانسته است نظر دانشجویان کرد را هم جلب کند و کانونی برای طرح دیدگاه‌های آنان فراهم سازد. با وجود این، موضوع استفاده از کانون‌ها و تشکل‌های رسمی دانشجویی برای پیشبرد گرایش‌های سیاسی و قومیتی، موضوعی است که بحث پیرامون آن نیازمند بررسی‌های بیشتر و پژوهش پیمایشی مستقلی است که به تولید داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی این مسئله بپردازد.



منابع

- ابادری، ی. و دیگران (۱۳۸۳) کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: هویت قومی و باورهای اجتماعی، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احمدی، ح. (۱۳۷۸) قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- الطائی، ع. (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران، تهران: شادگان.
- بیات، ک. (۱۳۷۶) «اقوام ایرانی و مسئله وجود خارجی آنها»، گفتگو، شماره شانزدهم.
- بیات، ک. (۱۳۷۷) «تحول دیدگاه تاریخی ایرانیان نسبت به مسائل قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره ۱.
- بیکر، ت. (۱۳۷۷) چگونگی انجام پژوهشات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: انتشارات روش.
- پوراحمد، الف؛ حبیبی، ک و زندی بختیاری، پ. (۱۳۸۳) «بررسی روند تغییرات توسعه یافتگی استانهای کشور»، نامه پژوهش فرهنگی، سال ۸، شماره ۹: ۳-۲۱.
- توسلی، غ و قاسمی، ی. (۱۳۸۱) «مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت ملی: نمونه مطالعه ایلام»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
- جلالی پور، ح. (۱۳۸۳) «هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیت‌ها»، سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۱.
- چلبی، م. (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، م. (۱۳۷۸) هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی، تهران: وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و امور شوراها.
- حاجیانی، ا. (۱۳۸۰) «مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳.
- دواس، د. (۱۳۷۶) پیمایش در پژوهشات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- رجبی نسب، ح. (۱۳۸۰) «بررسی نظریهک توسعه گوناگونی قومی و همبستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
- سراج زاده، ح. و جواهری، ف. (۱۳۸۲) نگرش‌ها و رفتار دانشجویان، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- سراج زاده، ح. و فیضی، ا. (۱۳۸۳) پنداشت‌ها و واقعیت‌ها: شیوع شناسی مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- یوسفی، ع. (۱۳۸۳) عدالت قومی و هویت ملی، در سلسله مقالات پژوهشی کاوش، شماره ۲، تهران: وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.
- Borgatta E. F. & Montgomery R. J. V. (2000) Encyclopedia of Sociology, USA: McMillan.

